

پاس تهران با داشتن بیش از یکصد ملی پوش هنوز هم پس از استقلال و پرسپولیس بیشترین نماینده را در تاریخ فوتبال ایران دارد اما چیزی که پاس را بالاتر از دو قطب سنتی پرطرفدار قرار می دهد مکتب مربیگری آن است

سطح ۲ فعالیت می کرد- هر هفته ورزشگاهی پر و لبریز از تماشاگر داشت. در دهه ۹۰ بالاخره آرزوی دیرینه رشتی ها جامه عمل پوشید و سپیدرود به لیگ برتر هم آمد. دوره های کوتاه و سرشار از اختلافات مدیریتی و رفت و آمد مربیان مختلف و دست به دست شدن... سپیدرود میان مالکانی که تنها می خواستند از اسم و اعتبار این نام قدیمی استفاده کنند اما چیزی از فوتبال نمی دانستند، گیر کرد و نتیجه آن شد که خیلی زود به لیگ آزادگان برگشت و حالا هم که...



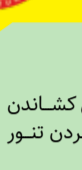
اما سپیدرود، همیشه سپیدرود است و هنوز هم طرفداران بی شماری دارد که آرزوی بازگشت تیم محبوب شان به سطح اول فوتبال ایران را در سر می پروراند.

هرگز به سطح اول نرسید اما شاهین چرا. تیمی که به فینال جام حذفی هم رسید و جام را به استقلال در ضربات پنالتی واگذار کرد اما هر دو فصل حضور شاهین در لیگ برتر در دهه ۹۰ سرشار از رفت و آمد مربیان و هرج و مرج مدیریتی بود. سرانجامش نیز همانی شد که سرانجام سایر تیم های ریشه دار بود، یعنی سقوط... شاهین به دسته های پایین تر رفت و هر روز خیل طلبکاران بودند که سراغ این نام را می گرفتند. سرانجام راهکاری که برای برق پیشنهاد شده بود برای شاهین هم مورد



استفاده قرار گرفت، تغییر نام تیم و هیأت مؤسس و مابقی ماجرا که امروز تنها سایه ای از شاهین را زنده نگه داشته اما ایران جوان کماکان در همان سطح پایین و با همان بودجه اندک به کار خود مشغول است و منتظر تا شاید روزی اسپانسر برسد و از این نام بزرگ و از این گنج زیر خاک بهره برداری کند.

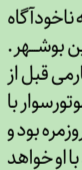
سپیدرود رشت



وقتی از گیلان حرف می زنیم، یعنی از دروازه ورود ایران قدیم به دنیای متمدن صحبت می کنیم و به طور طبیعی هر اثری که از دنیای مدرن قرار بود به ایران بیاید ابتدا در گیلان جوانه می زد. فوتبال هم از این قاعده مستثنی نبود، فوتبالی که یکی از قوانینش رقابت دو قطب پرطرفدار برای کسانند مردم به میدان ها و گرم کردن تنور مسابقات است. بین شهر رشت و انزلی از دیرباز در همه چیز رقابت بود و این رقابت سر از فوتبال هم درآورد. زمانی که بهمن صالح نیا در دهه ۴۰ سنگ بنای ملوان انزلی را گذاشت، عمده ترین هدف برای رقابت و ایجاد قطبی مقابل سپیدرود بود. تیمی در مرکز استان که عادت به درو کردن تمام جام های آن روزگار داشت. ملوان البته خیلی زودتر به سطح اول فوتبال ایران آمد اما فوتبال رشت هم خالی از اعتبار و افتخار نبود. در دهه ۶۰ با امیر افتخاری و سپس

بهزاد داداش زاده این رشتی ها بودند که ملی پوشان بیشتری نسبت به انزلی چی ها داشتند. سپیدرود در دهه هفتاد با تولد لیگ آزادگان - با اینکه در

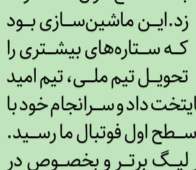
شاهین بوشهر



هر بار که مهدی طارمی در بالاترین سطح فوتبال باشگاهی جهان گل می زند، هر بار که در لیگ برتر مهدی قائدی با حرکتی همه فوتبالدوستان را به وجد می آورد، هر بار که کارشناسان و فوتبالدوستان از جای خالی محمد محبی در تیم ملی می گویند، صحبت از حسین ماهینی یا محمد دانشگر که می شود، همه ناخودآگاه به این نام فکر می کنند؛ شاهین بوشهر. در مصاحبه تصویری که مهدی طارمی قبل از جام جهانی داشت، از دیدن یک موتورسوار با پیراهن شاهین که مشغول کار روزمره بود و احساسی گفت که همیشه تا بد با او خواهد بود. در بوشهر هر جا که قدم بگذاری، در هر کوچه و خیابان و هر بازاری، غیر ممکن است کسی را با پیراهن شاهین نبینی و غیرممکن است که حرفی از فوتبال و شاهین نشنوی. اصلاً فوتبال این شهر را با این نام سندان زدند. نامی به بلندای پهنه جنوب که طی این سال ها خبر خوبی از آن به گوش نرسیده است. شاهین و ایران جوان دو قطب اصلی

فوتبال بوشهر بودند که در تمام دهه های گذشته بازیکنان نامداری به فوتبال ایران معرفی کردند. در جام حذفی و در سال های که لیگ نداشتیم، یقه استقلال و پرسپولیس را می گرفتند و خلاصه زندگی مردمان جنوب بود و همین دو تیم، در تمام این دهه ها ایران جوان همواره در سطح دوم فوتبال بود و

ماشین سازی تبریز

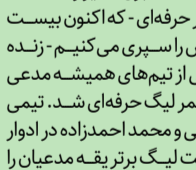


تبریز هم از جمله تیم هایی است که از بدو تولد لیگ در ایران در سطح اول و دوم فوتبال ما مدام در رفت و برگشت بود. در دهه ۷۰ این ماشین سازی بود که زودتر برای بازگشت به سطح اول استارت زد. این ماشین سازی بود که ستاره های بیشتری را تحویل تیم ملی، تیم امید و دو تیم بزرگ پایتخت داد و سرانجام خود با تولد لیگ برتر به سطح اول فوتبال ما رسید. ماشین سازی در لیگ برتر و بخصوص در دهه نود همیشه شهنورد درجه دو بود و هرگز قدری به اندازه منزلت و جایگاهش به خود نندید اما میان مردم کم طرفدار نداشت و هنوز هم ندارد. البته که تراکتور تیم پرطرفدارتری است اما ماشین سازی هم نامی نیست که بتوان به سادگی از کنارش بگذریم. تیم محبوب تبریزی ها هم دچار همان بلایی شد که اغلب تیم های نامدار و قدیمی شدند، یعنی دست به دست شدن میان مدیرانی که چندان سررشته ای از فوتبال نداشتند و به آینده فوتبال و گذشته و اعتبار تیمی که در اختیار داشتند، فکر نمی کردند.



نتیجه این شد که ماشین سازی سقوط به سطوح بسیار پایین را هم تجربه کرد و البته هنوز کورسویی از امید برای بازگشت به روزهای بهتر دارد.

برق شیراز



ملی جوانان ایران بود. اما برق شیراز فقط با این اسمی در تاریخ ایران ماندگار نیست. تیمی که در دهه ۷۰ به فینال جام حذفی ایران هم رسید، داریوش یزدانی ۱۷ ساله را به تیم ملی جام ملت های ۹۶ معرفی کرد که بعدها به استقلال آمد و لژیونر شد. برق شیراز تا دهه ۸۰ و تولد لیگ برتر حرفه ای - که اکنون بیست و دومین دوره اش را سیری می کنیم - زنده بود و اتفاقاً یکی از تیم های همیشه مدعی طی دهه اول عمر لیگ حرفه ای شد. تیمی که با اصغر شرفی و محمد احمدزاده در ادوار نخست لیگ برتر یقه مدعیان را می گرفت. مهدی شیری و اصغر شیردل تا سال ها بهترین زوج خط میانی ایران بودند، محمد منصوری و محمد مطوری را داشت و... برق شیراز در آخرین فصل حضور در لیگ برتر هم در پایان نیم فصل نخست جزو مدعیان بود و با افتخار از صحنه کنار



رفت اما طی دهه ۹۰ از لیگ برتر تا دسته دوم و سپس انحلال کامل رفت و حالا چند صاحبیست دوباره با یک پسوند در سطوح بسیار پایین تر تقابلی می کند که بیشتر محدود به همان شهر شیراز می شود، تیمی که هنوز هم پرطرفدارترین تیم خطه فارس است.

در طول سده های مختلف در تاریخ ایران، تبریز همواره دومین شهر ما پس از هر پایتخت بوده است. فرقی نداشته که کدام سلسله بر سر کار باشد و مشهد را پایتخت کند یا شیراز و اصفهان و تهران را، همیشه تبریز شهری مهم بوده که هیچ دولتی نمی تواند نسبت به کنش های آن بی تفاوت باشد.

وقتی فوتبال تبدیل به یک پدیده پرطرفدار شد، از همین قانون تبعیت کرد. همین امروز بین مورخان مختلف بر سر آنکه فوتبال از خوزستان و مسجد سلیمان متولد شده یا تبریز اختلاف نظر وجود دارد. مدرسه موریا ۱۵۰ سال قبل در تبریز تأسیس و زمین فوتبال داشته! با مربی فوتبال و محله هایی چون امیرخیز که در تاریخ ایران با نام های مشروطه خواهی چون ستارخان و باقرخان ماندگار شد...

معرفی و اسم بردن از چهره هایی که تبریز به فوتبال ایران معرفی کرده منتهی هفتاد من خواهد شد. زادگاه تراکتور - به عنوان یکی از پرطرفدارترین تیم های فوتبال ایران - یک

تیم قدیمی دیگر هم دارد که قدمتش شانه به شانه تراکتور می زند و افتخاراتش البته کمتر اما استعدادهایی به مراتب بیشتر تحویل فوتبال ایران داده است. ماشین سازی

حتی اگر همین حالا بخواهید قدمت تیم های فوتبالی که هم اکنون وجود دارند را بررسی کنید، نام اولی که در فهرست شما صدرنشین خواهد بود همین تیم است. تاریخ تأسیس ۱۳۲۷ یعنی زمانی که خیلی از شهرهای ایران حتی برق نداشتند، در شیراز تیمی تأسیس شد

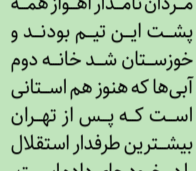
بارنگی آوانگارد برای پیراهن و لباس. رنگ نارنجی که حتی همین حالا هم خیلی مرسوم و متداول نیست. برق در فاصله دو دهه به قطب فوتبال استان فارس تبدیل شد. با پیدایش ورزش آن دیار فعال نباشد.

لیگ در ایران خود را به سطح اول فوتبال رساند و بازیکنانی به عرصه معرفی کرد که جزو رکوردداران بازی ملی و کاپیتانی ملی هستند. غلامحسین پیروانی کاپیتان تیم ملی جوانان بود که دو بار متوالی قهرمان آسیا شد. برادرش افشین به پرسپولیس و پیراهن تیم ملی رسید و بازویند کاپیتانی تیم ملی را بر بازو بست و جزو رکوردداران بازی در پرسپولیس و پر افتخارترین بازیکنان تاریخ فوتبال ماست. خانواده پیروانی یک فوتبالی دیگر را هم معرفی کرد؛ امیرحسین که مدت ها سرمربی تیم

الف - هستند ولی کمرنگ...

باورش سخت است اما باور کنید که هست. درست مثل اینکه شما اهرام ثلاثه مصر را داشته باشید و فقط هر از گاهی چند کودک برای بازی از آن استفاده کنند و بالا بروند! در فوتبال ما تیم هایی هستند که به لحاظ اعتبار مردمی و محبوبیت درست مثل گنجی در گوشه ای از مخروطه ای افتاده اند و هیچکس به سراغشان نمی رود! گنجی که حتی نیمی از آن از خاک بیرون است اما کسی رغبت نمی کند خم شود و آن را بردارد.... نمونه می خواهید؟

خانواده استقلال



در لیگ آزادگان بود، در دهه ۸۰ به لیگ برتر آمد و تا آستانه قهرمانی در فصل ششم هم رفت که تنها با یک اشتباه دآوری جام را واگذار کرد. استقلال اهواز اولین تیمی بود که در لیگ برتر و دسته اول فوتبال ایران در دهه ۷۰

تحت مالکیت ثروتمندان بومی یعنی برادران شفیعی زاده قرار گرفت اما روزهای خوب این تیم - که تا همین ۲۰ سال قبل نام های بزرگی چون ناصر حجازی و احمد رضا عابدزاده را به اهواز می کشاند - خیلی زود تمام شد و در دهه ۹۰ خورشید درخشش این تیم به افول رفت

و به لیگ آزادگان برگشت. در عوض تیمی با نام استقلال خوزستان از همان شهر اهواز بلند شد که به لیگ برتر آمد و در فصل پانزدهم به لطف تفاضل گل، پرسپولیس برانکو را در رسیدن به جام قهرمانی ناکام گذاشت. سرنوشت استقلال خوزستان البته درست مثل همنام قدیمی ترش رقم خورد، سقوط به لیگ



آزادگان و سپس رفتن به لیگ دو و روزگاری که برای شاهین بوشهر هم دیده بودیم... اما اکنون دوباره یکی دو فصل است که استقلال خوزستان به لیگ آزادگان برگشته و برای بازگشت به لیگ برتر بازی می کند. در سراسر کشور و در استان هایی که سابقه زیادی در فوتبال ندارند، کمتر جایی را می توان پیدا کرد که نامی از استقلال در ورزش آن دیار فعال نباشد.

در بیوگرافی باشگاه

بزرگ و محبوب و پرطرفدار ایران - تیم آبی تهران - می خوانیم که در سال های آغازین دهه ۲۰ شمسی تعدادی جوان از فرنگ برگشته سنگ بنای این باشگاه را با نام دوچرخه سواران گذاشتند. پنج سال بعد یکی از همان بنیانگذاران سهام بقیه را خرید و نام باشگاه را به تاج تغییر داد. مردی که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در زمره افراد مورد اعتماد پادشاه وقت قرار گرفت و از همین فرصت برای گسترش باشگاهش استفاده کرد.



در طول دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی که هنوز لیگ در ایران وجود نداشت، این نام بود که در سرتاسر ایران سنگ بنای باشگاه هایی را گذاشت که بعدها در خطه های خود تبدیل به تیم های پرطرفدار شدند و همنام با برادر بزرگ تر تهرانی اما به طور مستقل در مسابقات شرکت می کردند. از تاج آبادان، تاج اهواز و انزلی تا تاج رشت، تیم هایی که

همگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به استقلال تغییر نام دادند و وارث افتخارات و محبوبیت و گذشته آن نام شدند، بدون تأسیسات و زمین ها و باشگاه هایی که داشتند!

استقلال تهران دولتی شد، اما استقلال هایی که در

شهرستان ها وجود داشت به صورت کچ دار و مریز شخصی به کار خود ادامه دادند. در دهه ۶۰ استقلال رشت از قطب های پرطرفدار فوتبال شمال بود و استقلال انزلی از مدعیان. استقلال اردبیل جوانی به نام علی دایی را به فوتبال ایران معرفی کرد و مهم تر از همه در اهواز استقلال بود که همه چیز را با هم داشت؛ طرفدار و محبوبیت، بازیکن ملی پوش مثل ابراهیم تهامی، شهرام